

تحلیلی بر تأثیر اختلاف قرائت در «أَوْ لَامْسَتُمُ النِّسَاءَ» بر کفتمان فقهی قرضاوی

محمد رضا ستوده‌نیا*
فاطمه طائبی اصفهانی**

چکیده

اختلاف قرائت‌های قرآنی در برخی از آیات، باعث اختلاف در برداشت و فهم مفسران، مترجمان و فقها شده است. در این مقاله با توجه به چرا ب عدم مصافحه با نامحرم و نظرات مفسران و علماء با استناد به آیه «أَوْ لَامْسَتُمُ النِّسَاءَ» به بررسی اختلاف قرائت‌های آیه مذکور و اثر آن بر آراء مفسران و فقیهان پرداخته می‌شود و با بیان اختلاف قرائت دو واژه «لامستم» و «لمستم» و بررسی وجود قرائت‌ها و احتجاج‌های هر قرائت، با نگاهی تحلیلی نشان داده می‌شود که تنوع برداشت‌های حکمی از این آیه ناظر به اختلاف قرائت‌های آیه است و توجه به قرائت‌ها؛ تفاسیر و فتاوی مختلف را ایجاد کرده است. نگارندگان در این مقاله با شیوه تحلیلی - تطبیقی به بررسی ترجمه‌های آیه ۴۳ پرداخته‌اند و با ارائه دیدگاه‌های فقهی، قرائی و روایی، ضعف و لغزش برخی از ترجمه‌ها و فتوها را در عبارت «لامستم النساء» نشان داده‌اند.

واژگان کلیدی

آیه ۴۳ نساء، آیات الأحكام، اختلاف قرائت، مصافحة.

m.sotudeh@Ltr.ui.ac.ir

*. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول).

taebi1379@gmail.com
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۱۹

**. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان و طلب سطح چهار حوزه علمیه خواهان اصفهان.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۲۲

طرح مسئله

قرآن برای هدایت همه نسل‌ها است، چنانچه خدای متعال می‌فرماید: «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» (فرقان / ۱) در این کلام الهی که برای هدایت ابدی بشر است، هر واژه یا کلمه براساس حکمتی صورت گرفته است. اختلاف قرائت در برخی واژگان قرآنی تأثیر در علوم دیگر مانند فقه، تفسیر، کلام، نحو و ترجمه دارد. از همین قبيل است: اختلاف قرائت در کلمات «لَمَسْتُمْ» و «لَا مَسْتُمْ» که هر کدام أحکام ویژه‌ای را به دنبال دارد. (زرکشی، ۱۳۹۱: ۱ / ۳۲۶؛ سیوطی، ۱۳۶۳: ۱ / ۲۷۸) در زمینه آیه حاضر با رویکرد اختلاف قرائت منبع خاصی دیده نشد اما کتاب‌ها و مقاله‌های متعدد اختلاف قرائت به این آیه اشاره گزرا داشته‌اند. (احمد بن محمد، ۴۰۷: ۴۴۲؛ مقدسی دمشقی، ۴۱۸: ۲۰۱۰) و یا به تأثیرات اختلاف قرائت در علوم مختلف اشاره نموده‌اند و آیات دیگری را ذکر کرده‌اند. (بازمول، ۱۴۱۲: همامی، ۱۳۷۳؛ نبیل بن محمد آل اسماعیل، ۱۴۱۹؛ فضلی، ۱۳۷۳) آنچه باعث تدوین مقاله حاضر شد استفاده از این تأثیرگذاری در جواز مصافحه در مقالات اهل سنت است. در میان علمای اهل سنت در باب موضوع مصافحه مرد با زن نامحرم، مطالب و فتاوای متناقضی ذکر شده است. در این باب یوسف قرضاوی صاحب دیدگاه «تقبل التغیر بتغيير المكان والزمان والحال»، می‌گوید: من در دیبرستان همچون استاد و شیخ بزرگمان، شیخ سید ساییق که اصلاً پاییند به مذهب نبود و هیچ توجیهی به آن نداشت، درس فقه می‌خواندم. اهالی روستایمان هم مثل بیشتر روستاهای ساحلی مصر، شافعی مذهب‌هاند و من با بزرگان دینی روستایمان اختلاف داشتم و خود را ملتزم به مذهب شافعی نمی‌دانستم. یکی از موضوعاتی که من مطرح کردم و باعث تحریم و برانگیختن احساسات مردم شد، این بود که گفتم: لمس کردن زن و ضرور را باطل نمی‌کند. در مذهب ابوحنیفه به طور عام و در هر صورت که باشد، وضو را باطل نمی‌کند. در نزد حنابل و مالکیان، لمس کردن زن، فقط همراه با شهوت است که وضو را باطل می‌کند. (قرضاوی، ۱۳۹۶: ۲۴) البته وی در جای دیگر می‌گوید: شافعی معتقد است که لمس زن [هرچند همسر و بدون شهوت باشد] وضو را باطل می‌کند و به این آیه استدلال کرده است که می‌فرماید: «أَوْ لَا مَسْتُمُ الْبَسَاءُ؛ وَ يَا زَنَانَ رَا لَمْسَ كَرِدِيدَ». این نیز باعث مشقت مردم روستاهای می‌باشد و هر کس که در آیه دقت کند می‌فهمد که نظر مذهب حنفی درست‌تر و روش‌تر می‌باشد و به ادله گوناگون می‌پردازد. (قرضاوی، ۱۳۸۹: ۳ / ۶۴۲) ابوشقه نصوصی را نقل کرده که برخی بر جواز و برخی بر منع دلالت دارند. جمع‌بندی او از این روایات این است که اگر فتنه‌ای در کار نباشد، چنانچه امروز در میان خویشان مطرح است، مانع ندارد. (ابوشقه، ۱۴۲۰: ۲ / ۹۳ - ۸۹) آنها در مستندات خود به شیوه بیعت پیامبر اکرم ﷺ استناد نموده‌اند که این مسئله از مسائل متعارض در روایات فرقیین است. لذا در این اثر به توجیهات قرائی و نظرات فقهی آنها پرداخته می‌شود.

بررسی گفتمان فقهی قرضاوی

یوسف قرضاوی از علمای اهل تسنن است که تلاش می‌کند مباحث سیاسی - اجتماعی امروز را در قالب فقه تجزیه و تحلیل نماید. (علیخانی، ۱۳۸۵: ۱۷۹) قرضاوی می‌گوید هرچند اجرای احکام غیر الهی مخالف اسلام است ولی کفر و خروج از اسلام به حساب نمی‌آید. (قرضاوی، ۱۹۹۹: ۶۴) وی اعتقاد دارد دو فقه انزوا و فقه ظاهرگونه در عرصه سیاسی و اجتماعی ناکارآمد و ناکافی‌اند. (همو، ۱۳۷۹: ۷۱) لذا عدالت شرعی را در همه امور اجتماعی و سیاسی مورد بازبینی قرار می‌دهد. او با استفاده از فقه مصلحتی به دفاع متفاوت از حقوق زنان می‌پردازد و تصدی مناصب سیاست و قضاؤت و شهادت‌دادن و غیره را به گونه‌ای دیگر مطرح کرده است. (شیروودی، ۱۳۹۵: ۵۶) قرضاوی دارای تأییفات فراوانی است. گرچه مضماین تمامی آثار وی، تاکنون ضرورت بازگشت به اسلام اعتقدای را نشان می‌دهد، از زاویه‌های متعدد به این موضوع می‌پردازد. تاکنون بیش از صد جلد اثر از وی چاپ شده است. قرضاوی در آثار خود تلاش می‌کند تا جریان فکری میانه‌روی را در اندیشه اسلامی دنبال کند. همین ویژگی میانه‌رو بودن قرضاوی باعث شده است تا برخی از پژوهشگران اسلامگرا او را «علامه مجدد» بنامند و اندیشه او را به عنوان راه حلی برای خروج از بن‌بست تحمل شده بر جنبش‌های اسلامی بدانند. قرضاوی در آثار خود مسائل جدید را با سیک کلاسیک و با استناد و کنکاش در آیات قرآن، روایات، سنت و تاریخ خلفای راشدین پیگیری و تحلیل می‌کند. در روش قرضاوی این نکته دیده می‌شود که او با سنجیدن مسائل در ظرف زمانی خود، ابتدا

مقبولیت عقلی و لزوم عملی آن را متذکر می‌شود و سپس، با استناد به آیات قرآن، آیاتی که چهسا در وهله اول هیج صبغه سیاسی - اجتماعی ندارند بلکه بیشتر وجهه عبادی - اخلاقی دارند، و سنت پیامبر ﷺ و خلفای اربعه، نظرهای خود را تحکیم می‌بخشد. حتی در مواردی با استناد به اقوال معاویه و عمر بن عبدالعزیز از آنها تمجید می‌کند و سخنان آنها را مبنای بحث خود قرار می‌دهد. (علیخانی، ۱۳۸۵: ۱۸۰ - ۱۷۹)

بررسی فتاوی فقهی در زمینه لمس و مصافحة

۱. مذهب حنفی

فقهای حنفی قائلند که لمس زنان چه با شهوت، چه بدون شهوت، چه محرم، چه غیر محرم، چه با دست، چه غیر دست وضو را نقض نمی‌کند. (کاشانی، ۱: ۱۴۰۶ / ۱۴۸)

۲. مذهب مالکی

فقهای مالکی قائلند که لمس زنان با شهوت چه با دست، چه غیر دست، چه موضع لمس مو باشد یا ناخن وضو را نقض می‌کند. بوسیلن چه با لذت، چه بدون آن حتی از روی غفلت یا با اکراه، نیز ناقض وضو است، مگر اینکه طفل کوچک را از روی رحمت یا محرومی را برای خدا حافظی بیوسد. (انصاری قرطبی، ۱۳۵۳: ۵ / ۲۲۷)

۳. مذهب شافعی

در نظرات این گروه اختلافات زیادی مشاهده می‌شود آنچه بر آن اتفاق نظر وجود دارد مسائل زیر است: اگر پوست زن و مرد اجنبی با هم برخورد کند چه لامس مرد باشد، چه زن، چه با لذت، چه قصد داشته، چه سه هوی و از روی خطأ بوده باشد، ناقض وضو است. در اینجا تفاوتی وجود ندارد که یک لحظه برخورد کند یا ادامه دهد، یا عضو ملموس سالم باشد یا معیوب. (شافعی، ۱۴۱۰: ۱ / ۱۲؛ فیروزآبادی شیرازی، ۱۴۱۲: ۱ / ۲۴ - ۲۳)

۴. مذهب حنبلی

حنبله سه نظر مختلف دارند که براساس روایات احمد بن حنبل است.

الف) لمس زنان با شهوت ناقض وضو است و بدون شهوت ناقض وضو نیست.

ب) لمس زنان در هر حال ناقض وضو است.

ج) لمس زنان در هیچ حالتی ناقض وضو نیست. ابن تیمیه قائل است مس بدون شهوت نه موجب وضو می‌شود نه استحباب وضو را ایجاب می‌کند. (ابن تیمیه، بی تا: ۱ / ۳۹۲)

محصل کلام محمد نعیم یاسین چنین است:

رجحان مذهب الحنفية ومن معهم: في أن اللمس بجمع أشكاله لا ينقض الوضوء، إلا إذا وصل إلى حد المباشرة الفاحشة التي يغلب معها نزول شيء من الشخص المباشر، ولو فرق في ذلك بين لامس وملموس، ولا بين قبلة وغيرها، ولا بين لمس الكبيرة ولمس الصغيرة، ولا بين لمس الأجنبية ولمس المحارم، ولو بين لمس من فوق حائل أو بدونه. (یاسین، ۱۴۰۷: ۲۱۷)

شیوه بیعت پیامبر اکرم ﷺ با زنان از مسائل متعارض در روایات فرقین است. در این زمینه پژوهش مفصلی صورت گرفته است که ارجاع به آن پاسخ‌گوی جواز مصافحة خواهد بود. در آنچه روایات در چهار گروه دسته‌بندی شده است: بیعت کلامی همراه با فعل جوارحی، بیعت جوارحی، بیعت کلامی، و جواز مصافحة زنان و مردان نامحرم به شرط وجود حايل.

نتیجه بررسی محتوای روایات مذکور، آن است که بسیاری از روایات متعارض، قابل جمع و مکمل یکدیگرند. تنها روایاتی که بیانگر جواز مصافحة بدون حايل است، پذیرفتی نیست؛ (زمانی، حاجی اسماعیلی، سنتودنیا، ۱۳۹۴) لذا توجهات کسانی که بیعت پیامبر با زنان را دال بر جواز مصافحة دانسته‌اند، بیطل می‌نویسد:

لمس، ملامسه و مس، در قرآن کنایه از جماع است و بهصورت استقراء تمام آیاتی که در آن کلمه مس به کار رفته بوضوح بر جماع دلالت می‌کنند. مانند این آیه که از زبان مریم بیان می‌دارد: «لَئِنْ يَكُونُ لِي وَلَدٌ

وَلَمْ يَمْسِسْنِي بِشَرٍّ، چگونه مرا فرزندی خواهد بود، در حالی که انسانی با من نزدیکی نکرده است؟» (آل عمران / ۴۷) یا این آیه که می‌فرماید: «إِنَّ طَلَقَتُوهُنَّ مِنْ قَبْلٍ أَنْ تَمْسُوهُنَّ؛ وَإِنْ زَانَ رَا پیش از آن که با آنان تماس بگیرید (او میزش جنسی بنمایید) طلاق دادید» (بقره / ۲۳۷) و در روایات هم، چنین است اما عبدالله بن مسعود روایت است که پیامبر فرمود: «أَوْلًا مُسْتَمِنُ النِّسَاءِ» هو مادون الجماع وفيه الوضوء؛ ملامسه زنان غیر از جماع است و وضو لازم دارد.» بنابر مذهب مالک و ظاهر مذهب احمد، لمس زنی، موجب نقض وضو است که با شهوت و لذت باشد و آیه «أَوْ لَا مُسْتَمِنُ النِّسَاءِ» را بر آن معنا تفسیر کرده‌اند. در قرائت دیگری «أَوْ لَا مُسْتَمِنُ النِّسَاءِ» وارد شده است. به همین دلیل است که شیخ الاسلام ابن تیمیه در فتاوی خود قول کسانی که ملامسه و لمس را در آیه به معنا صرف تماس پوست با پوست (هر چند بدون شهوت هم باشد) تفسیر کرده‌اند، ضعیف شمرده و از جمله چیزهایی که درین باره فرموده‌اند این است که: «وَ اما منوط کردن نقض وضو به صرف لمس، خلاف اصول، اجماع اصحاب و متون شرعی است و گوینده آن هیچ گونه نص و قیاسی ندارد؛ چراکه اگر در آیه «أَوْ لَا مُسْتَمِنُ النِّسَاءِ» منظور، لمس زن با دست و بوسه و یا امثال آن باشد (همان طور که این عمر و دیگران بیان داشته‌اند) پس معلوم است هر کجا در قرآن و سنت پیامبر لمس ذکر شود، مراد لمس با شهوت است. لذا در باب مصافحة با نامحرم اگر بدون شهوت بوده و در موارد ضرورت باشد، اشکالی ندارد. (قوضاوی / ۱۳۸۹ - ۶۴۲ / ۳ - ۶۳۵)

این در حالی است که در فقه شیعه دست دادن زن و مرد نامحرم جایز نمی‌باشد. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵: ۱۴۶؛ تبریزی؛ سیستانی، ۱۳۷۵: ۱۰۹)

بررسی حاکمیت مصافحه و دست دادن در اسلام

تحلیل و بررسی قرائی

حمزه و کسانی هم در اینجا و هم در سوره مائده «لمستم» را بدون الف و دیگران «لامستم» را با الف قرائت کردند. (اندلسی، ۱۴۲۰: ۳ / ۶۵۴) دلیل کسانی که بدون الف قرائت کردند این است که در قرآن کریم مواردی وجود دارد که این معنا به صورت ثلاثی مجرد بیان شده است، مثل: «لَمْ يَلْعَمُ إِذْنُ» (الرحمن / ۵۵) یعنی انسانی ایشان را لمس نکرده است و مثل «لَمْ

یَعْسَنِي بَشَرٌ» (مریم / ۲۰ - ۱۹) یعنی بشری مرا لمس نکرده است و کسانی که با الف قرائت کردند، «لمس» و «لامس» را به یک معنا گرفته‌اند، مثل «عاقبت اللص» بمعنی «عاقبت اللص» یعنی دزد را دنیال کرد. (نوری، ۱۳۶۰: ۵ / ۱۵۸)

دلیل قرائت حمزه و کسانی این است که آنها لمس را مرحله پایین‌تر از جماع دانسته‌اند و دلیل قرائت دیگران روایت امام علی^ع است که فرموده‌اند: «قوله: الْمَسْتُ الْبَنَاءِ ای جامعتم، ولكن الله يكفي». ^۱

همچنین ابن عباس می‌گوید: لَامَسْتُهُ بِمَعْنَى جَمَاعٍ كَرْدَنَ اسْتَ. (ابوزرعه، ۱۳۹۴: ۲۰۶)

لمس: مالیدن دست، سپس معنای آن توسعه پیدا کرده و بر تماس بدنی - بهطور کلی - إطلاق شده است. (نوری، ۱۳۶۰: ۵ / ۱۵۹)

«لامستم» با الف به معنای جماع کردن می‌باشد این قول حضرت علی^ع، ابن عباس، مجاهد، قتاده و ابوعلی الجبائی است و أبوحنیفه نیز این قول را اختیار نموده است. «لمستم» یعنی بدون جماع فقط لمس نماید. قائلین به این قول ابن مسعود، عبیده، ابن عمر، الشعبی، ابراهیم و عطاء است و شافعی نیز این قول را اختیار نموده است. نظر اول مورد قبول شیخ طوسی است. جبائی، بلخی، طبری و غیره نیز همین نظر را دارند. (طوسی، ۲۰۵ / ۳: ۱۴۰۸؛ رازی، ۵۱۹ / ۲: ۱۴۰۸)

۱. در اینجا دارد به تأثیر گذاری اختلاف قرائت (لامستم / لامستم) بر ترجمه‌ها اشاره شود:

يَا أَئْنَهَا الَّذِينَ آتَنُوا لَا تَقْرُبُوا الْمَسَلَةَ وَأَنْتُمْ سَكَارَى حَتَّىٰ تَعَلَّمُوا مَا تَقْلُوْنَ وَلَا جُنْبَتَا إِلَّا عَلَيْهِ تَسْبِيلٌ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوْنَ وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَرْرَأٰوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْعَابِطِ أَوْ الْمَسْتُ الْبَنَاءِ فَلَمَّا تَجَوَّلَ مَاءً فَتَمْسِحُوا صَبِيًّا فَامْسَحُوا بِعُوْجُوهُكُمْ وَأَتَيْبِكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَوْنَّا غَفُورًا. (نساء / ۴۳)

در ترجمه این آیه دو معنا مشاهده می‌شود:

۱. نزدیکی، جماع، مباشرت و همسرت شدن (آیتی، ۱۳۷۴: ۸۵؛ اسفاری، ۱۳۷۵: ۲ / ۴۹۱؛ الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۲: ۸۵؛ انصاریان، ۱۳۷۷: ۸۵؛ انصاریان، ۱۳۸۳: ۸۵؛ بربزی، ۱۳۸۲: ۸۵؛ بروجردی، ۱۳۶۶: ۱۲۴؛ بالاغی، ۱۳۸۶: ۲ / ۴۳؛ ترجمه قرن دهم هجری، ۱۳۸۴: ۷۰؛ پوروجادی، ۱۳۷۳: ۷۰؛ تهرانی، ۱۳۸۰: ۵۸؛ خانی، ۱۳۸۰: ۵۸؛ خانی، ۱۳۸۲: ۴۹؛ خسروانی، ۱۳۹۰: ۴۹ / ۲: ۴۹؛ خواجهی، ۱۴۱۰: ۴۹؛ دلهی، ۱۴۱۷: ۴۸؛ رازی، ۱۴۰۸: ۴۸؛ رازی، ۱۴۰۸: ۴۸؛ شعرانی، ۱۳۷۴: ۸۱؛ صادق، ۱۳۸۲: ۸۱؛ رضایی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۳: ۸۱؛ رهمنا، ۱۳۷۷: ۸۱؛ روحانی، ۱۳۷۷: ۸۱؛ سراج، ۱۳۶۲: ۸۱؛ رهمنا، ۱۳۷۶: ۸۰ / ۵۰۰؛ روشنی، ۱۳۷۷: ۸۱؛ سراج، ۱۳۶۲: ۸۱؛ شعرانی، ۱۳۷۴: ۸۱؛ نوبری، ۱۳۹۶؛ تقدیق، ۱۳۹۳: ۳۸۰؛ صفوی علیشاه، ۱۳۷۸: ۴۴۵؛ طاهری قزوینی، ۱۳۸۰: ۴۵؛ فارسی، ۱۳۶۹: ۸۵؛ فیض الاسلام، ۱۳۸۷: ۱۷؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ۴۹۵ / ۲: ۴۶۷؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۴۶۷؛ کاویانپور، ۱۳۷۸: ۴۶۷؛ ترجمه تفسیر طبری، ۱۳۵۶: ۴۹۷؛ محبتوی، ۱۳۷۱: ۴۹۷؛ مشکینی، ۱۳۸۱: ۴۵؛ مصباح زاده، ۱۳۳۷: ۴۹۰؛ مصطفوی، ۱۳۸۰: ۵۲؛ معزی، ۱۳۷۷: ۴۹۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۴۵؛ موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ۴۶؛ مبیدی، ۱۳۷۱: ۵۱ / ۲: ۴۳۹؛ ۴۳۹ / ۳: ۱۳۹۸؛ یاسری، ۱۳۷۱: ۸۵)

ای کسانی که ایمان اورده‌اند، در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا زمانی که بدانید چه می‌گوید و [نیز] در حال جنابت [وارد نماز نشود] - مگر اینکه راهگذر باشید - تغلق کنید و اگر بیمارید یا در سفر مسافرید یا یکی از شما از قضای حاجت آمد یا با زنان آمیزش کرده‌اند و آب نیافته‌اند، پس بر خاکی پاک تیمَم کنید، و صورت و دستهایان را مسح نمایید، که خدا بخششند و امروزه‌اند است. (فوولادون، ۱۴۱۵: ۵)

۲. لمس کردن و تماس داشتن؛ ای اهل ایمان! در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا بدانید چه می‌گوید و نیز در حال جنابت به نماز نزدیک نشوید، مگر مسافر باشید تا غسل کنید و اگر بیمار بودید یا آنکه در سفر هستید و یا هنگامی که یکی از شما از قضای حاجت برگشت و یا با زنان تماس داشته و به آب دسترسی نداشته‌اید، با خاک پاکیزه تیمَم کنید، صورت و دستهای خوش را مسح کنید که خدا بخششند و امروزه‌اند. (ارفع، ۱۴۱۵: ۸۵)

ای کسانی که ایمان اورده‌اند، نزدیک نماز نشوید در حال مستی تا اینکه بدانید چه می‌گوید و نیز نزدیک نماز در حالی که جب باشید، تا وقتی که غسل کنید، مگر در حال مسافت و دستهایان را مسح کنید یا قسمه حاجت دست داد یا با زنان معاشرت کرده باشید و آب برای غسل نیافتد پس تیمَم کنید بر خاک پاک و صورت و دستهای خود را مسح کنید، همانا خداوند سیار غفوکننده و سیار امروزه‌اند. (امین، ۱۳۶۱: ۳ / ۶۶)

ای کسانی که ایمان اورده‌اند! در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا بدانید چه می‌گوید، و نه در حال جنابت [به نماز و مسجد نزدیک نشوید] مگر راهگذر باشید، تا زمانی که غسل کنید، و اگر بیمار یا سافر بودید یا کسی از شما از قضای حاجت آمد یا با زنان تماس داشتید و آن کاه آب نیافید، بر خاکی پاک تیمَم کنید و صورت و دستهایان را مسح نمایید که خدا بخششند و امروزه‌اند. (بهرامپور، ۱۳۸۳: ۴۸)

شما که ایمان ااریدا در آن حال که مستید نزدیک نماز نشوید «تا بدانید چه می‌گویید» و نه وقتی که تاپاکیزد، مگر راه سپر باشید تا غسل کنید، و اگر بیمار بودید یا به سفر بودید یا یکی از شما از نهان گاه آمده یا به زنان دست زده‌اند، با خاکی پاک تیمَم کنید و روها و دستهای خوش را مسح کنید که خدا بخشش گر و امروزگار است. (پایانه، ۳۳۶: ۵۱)

ای کسانی که ایمان اورده‌اند در حالی که مستید به محل نماز (مسجد) نزدیک نشوید تا بدانید چه می‌گوید و نه در حالی که جب هستید، مگر درحالی که عبور کنیده که عبور کنیده راه باشید تا اینکه غسل کنید و اگر مريض يا مسافر بوديد يا یکی از شما از نشستگاه (محل قضای حاجت) آمد یا زنان را لمس کرید و آب نیافتد، پس بر خاک پاکی تیمَم کنید.

در متن ترجمه و متن تفسیر کوثر از آیه فوق فوق مشاهده می‌شود: «ای کسانی که ایمان اورده‌اند، در حالی که مستید به محل نماز (مسجد) نزدیک نشوید تا بدانید چه می‌گوید و نه در حالی که جب هستید، مگر درحالی که عبور کنیده راه باشید تا اینکه غسل کنید و اگر مريض يا مسافر بوديد يا یکی از شما از نشستگاه (محل قضای حاجت) آمد یا زنان را لمس کرید و آب نیافتد، پس صورت ها و دستهایان را مسح کنید. همانا خداوند بخششند امروزه‌اند است.» (چفری، ۱۳۷۶: ۲، ص ۴۴۵)

یا یکی از شما از نشستگاه (محل قضای حاجت) آمد یا زنان را لمس کرید و آب نیافتد، پس بر خاکی تیمَم کنید. پس صورت ها و دستهایان را مسح کنید. همانا خداوند بخششند امروزه‌اند است. (چفری، ۱۳۷۶: ۲، ص ۴۴۶)

نتیجه

۱. به نظر می‌رسد، با توجه به آنچه بیان شد: اختلاف قرائت در این آیه و احکام گوناگونی که در ذیل آن مطرح است ارتباطی با جواز مصافحه نامحرمان ندارد.
۲. برداشت‌های گوناگون فقهی در باب نقض وضو که در اثر اختلاف قرائت ایجاد شده منجر به مقالات متعددی همسو با نظریه فقهی نویسنده آن دارد البته اکثر اهل‌سنت قول به ملاسمه و جماع را ترجیح داده‌اند گرچه باز در لابه‌لای مطالب صراحت به نقض یا عدم نقض وضو دچار تردید می‌شود.
۳. شیوه بیعت پیامبر اکرم ﷺ با زنان از مسائل متعارض در روایات فرقین است و تنها روایاتی که بیانگر جواز مصافحه بدون حائل است، پذیرفتنی نیست.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها

- قرآن کریم.
- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحليم، بی‌تا، الإختیارات الفقهیة، جده، مجتمع الفقه الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
- أبوذر عده، عبدالرحمن بن محمد، ۱۳۹۴ق، حجۃ القرآن، تحقیق سعید افغانی، بیروت، مؤسسه الرسالۃ، ج ۵.
- أبوشقة، عبدالحليم محمد، ۱۴۲۰ق / ۱۹۹۹م، تحریر المرأة فی عصر الرسالۃ، کویت، دار القلم، ج ۵.
- أبومحمد، مکی بن أبي طالب، ۱۴۰۱ق / ۱۹۸۱م، المکشف عن وجود ترانات السبع و عللها و حججه، تحقیق محیی الدین رمضان، بیروت، مؤسسه الرسالۃ، ج ۲.
- أحمد بن محمد البنا، ۱۴۰۷ق، إتحاف فضلاء البشر بالقراءات الأربعه عشر، مصر، عالم الکتب، مکتبة الكلیات الأزهرية.
- استادولی، حسین، ۱۳۸۱، آداب، سنت و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، تهران، پیام آزادی، ج ۳.
- امین اصفهانی، نصرت، ۱۳۶۱، مختار العرفان در تفسیر قرآن، تهران، نهضت زنان.
- بازمول، محمد بن عمر بن سالم، ۱۴۱۲ق، القراءات و آثارها فی الأحكام والتفسیر، مکه، جامعه أم القری.
- بلاغی، سید عبدالحجه، ۱۳۸۶ق، حجۃ التفاسیر و بلاغ الإ Kisyer، قم، حکمت.
- تقیی تهرانی، محمد، ۱۳۹۸ق، تفسیر روان جاوید، تهران، برهان، ج ۲.
- جعفری، یعقوب، ۱۳۷۶ق، تفسیر کوثر، بی‌جا.
- خسروانی، علیرضا، ۱۳۹۰ق، تفسیر خسروی، تهران، إسلامیه.
- رازی، أبوالفتوح حسین بن علی، ۱۴۰۸ق، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تصحیح محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، ۱۳۹۱ق، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دار المعرفة، ج ۲.
- سیحانی، جعفر، ۱۳۷۵ق، نظام التکاک فی الشریعة الإسلامیة العـراـقـیـة، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۳۶۳ق، الإتقان فی علوم القرآن، تصحیح محمد أبوالفضل إبراهیم، قم، منشورات رضی و بیدار.
- شافعی، أبوعبدالله محمد بن إدريس، ۱۴۱۰ق، الأم، بیروت، دار المعرفة.
- صدقی، محمد بن علی، ۱۴۱۳ق، کتاب من لا يحضره اللقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- صفائی علیشاه، حسن بن محمد باقر، ۱۳۷۸ق، تفسیر صفائی، تهران، منوچهری.
- طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴ق، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طرسی، فضل بن حسن، ۱۳۳۰ق، مجمع البیان لعلوم القرآن، ترجمه حسین نوری و محمد مفتح، تهران، فراهانی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۷ق، تفسیر جوامع الجامع، ترجمه حبیب روحانی، احمد امیری شادمهری و اکبر غفوری، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ج ۲.

- طوسی، محمد بن حسن، ١٤٠٩ق، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقيق احمد قصیر عاملی، بیروت، دار إحياء تراث العرب.
- طوسی، محمد بن حسن، ١٤١٤ق، *الأمالی*، قم، دار الثقافة.
- فضلی، هادی، ١٣٧٣، *تاریخ قرآنات کریم*، ترجمه سید محمد باقر حجتی، تهران، اسوه، ج ٢.
- فیروزآبادی شیرازی، ابراهیم بن علی، ١٤١٢ق، *المهدب فی الفقه الشافعی*، بیروت، دار الكتب العلمية.
- قرائتی، محسن، ١٣٨٣، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌های از قرآن، ج ١٠.
- فرشی، سید علی اکبر، ١٣٧٧، *تفسیر احسن الحديث*، تهران، بنیاد بعثت، ج ٣.
- فرضاوی، یوسف، ١٣٧٩، *الإیجتہاد فی الشریعة الإسلامیة*، أحمد نعمتی، تهران، إحسان.
- فرضاوی، یوسف، ١٣٨٩، *دیدگاه فقهی معاصر*، ترجمه احمد نعمتی، قم، دار الحديث.
- فرضاوی، یوسف، ١٣٩٦، *فقه پویا (گفتاری در باب روش‌های استنباط احکام فقهی)*، ترجمه عین الدین صدیقی، کتابخانه الکترونیکی امین.
- فرضاوی، یوسف، ١٩٩٩م، *من فقه الدولة فی الإسلام*، قاهره، مکتبة وھبی.
- قرطی، محمد بن أحمد، ١٣٥٣، *الجامع لأحكام القرآن*، قاهره، مطبعة دار الكتب المصرية، ج ٢.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ١٣٦٥، *الکافی*، تهران، دار الكتب الإسلامية.
- کاشانی حنفی، علاء ابویکر بن مسعود بن أحمد، ١٤٠٦ق، *بدائع الصنائع*، بیروت، دار الكتب العلمية، ج ٢.
- محلی، جلال الدین و جلال الدین سیوطی، ١٤١٦ق، *تفسير الجلالین*، بیروت، مؤسسه النور.
- مصطفوی، حسن، ١٣٦٠، *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مصطفوی، حسن، ١٣٨٠، *تفسیر روشن*، تهران، مرکز نشر کتاب.
- مقدسی دمشقی، أبوالقاسم شهاب الدین، ٢٠١٠م، *ابراز المعانی من حرز الأمانی فی القراءات السبع*، بیروت، دار الكتب العلمیة، ج ٢.
- مکارم شیرازی، ناصر، ١٤٢٥ق، *أنوار الفقاہة*، قم، مدرسه إمام علی بن أبي طالب ع.
- میدی، رشید الدین احمد بن أبي سعد، ١٣٧١، *كشف الأسرار و علة الأبرار*، تحقيق علی أصغر حکمت، تهران، امیر کبیر، ج ٥.
- نبیل بن محمد آل اسماعیل، ١٤١٩ق، *علم القراءات: نشأته أطواره أثره فی علوم الشرعیه*، مکه، مکتبة التوبه.
- نجفی خمینی، محمد جواد، ١٣٩٨ق، *تفسیر آسان*، تهران، إسلامیه.

(ب) ترجمه‌های قرآن کریم

- آیتی، عبدالمحمد، ١٣٧١، *ترجمه قرآن کریم*، تهران، سروش، ج ٣.
- أرفع، سید کاظم، ١٣٨١، *ترجمه قرآن کریم*، تهران، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی.
- إسفراینی، أبو المظفر شاهفور بن طاهر، ١٣٧٥، *تاج الترجم فی تفسیر القرآن للأعاجم*، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- إلهی قمشه‌ای، مهدی، ١٣٨٤، *ترجمه قرآن کریم*، قم، فاطمه الزهراء ع، ج ٢.
- أنصاریان، مسعود، ١٣٧٧، *ترجمه قرآن کریم*، تهران، فرزان روز.
- أنصاریان، حسین، ١٣٨٣، *ترجمه قرآن کریم*، قم، اسوه.
- بربزی، أصغر، ١٣٨٢، *ترجمه قرآن کریم*، تهران، بنیاد قرآن.
- بروجردی، سید محمد ابراهیم، ١٣٦٦، *ترجمه قرآن کریم*، تهران، صدر، ج ٦.
- بهرامپور، أبوالفضل، ١٣٨٣، *ترجمه قرآن کریم*، قم، هجرت.
- بی‌نام، *ترجمه قرن دهم هجری*، تهران، بی‌نام.
- پاینده، أبوالقاسم، ١٣٣٦، *مقدمه‌ای بر ترجمه قرآن مجید*، تهران، جاویدان.
- پورجوادی، کاظم، ١٣٧٣، *ترجمه قرآن کریم*، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ج ٢.
- حلیبی، علی أصغر، ١٣٨٠، *ترجمه قرآن کریم*، تهران، اساطیر.
- خانی، رضا و حشمت الله ریاضی، ١٣٧٢، *ترجمه بیان السعادۃ فی مقامات العبادة*، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.

- خواجهی، محمد، ۱۳۶۹، ترجمه قرآن کریم، تهران، مولی.
- دهلوی، شاه ولی الله، ۱۴۱۷ق، ترجمه قرآن کریم، مدینه، مجتمع ملک فهد.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۸۳، ترجمه قرآن کریم، قم، دارالدکر.
- رهنمای، زین العابدین، ۱۳۴۶، ترجمه و تفسیر رهنمای، تهران، کیهان.
- سراج، رضا، ۱۳۶۲، ترجمه قرآن کریم، چ پنجم، تهران، سهامی طبع کتاب.
- شعرانی، أبوالحسن، ۱۳۷۴، ترجمه قرآن کریم، تهران، إسلامیه.
- صادق نویری، عبدالمجید، ۱۳۹۶ق، ترجمه قرآن کریم، تهران، إقبال.
- صفارزاده، طاهره، ۱۳۸۰، ترجمه قرآن کریم، تهران، رایانه کوثر، چ ۲.
- طاهری قروینی، علی‌اکبر، ۱۳۸۰، ترجمه قرآن کریم، تهران، قلم.
- فارسی، جلال الدین، ۱۳۶۹، ترجمه قرآن کریم، تهران، انجام کتاب.
- فولادوند، محمدمهدی، ۱۴۱۵ق، ترجمه قرآن کریم، تهران، دار القرآن.
- فیض‌الاسلام، سید‌علی‌نقی، ۱۳۷۸، ترجمه قرآن کریم، تهران، فقیه.
- کاویانپور، احمد، ۱۳۷۸، ترجمه قرآن کریم، تهران، إقبال، چ ۳.
- گروهی از مترجمان، ۱۳۵۶، ترجمه تفسیر طبری، تحقیق حبیب یغمایی، تهران، توسعه، چ ۲.
- مجتبیوی، سید جلال الدین، ۱۳۷۱، ترجمه قرآن کریم، تهران، حکمت.
- مشکینی، علی، ۱۳۸۱، ترجمه قرآن کریم، قم، الهادی، چ ۲.
- مصباح‌زاده، عباس، ۱۳۳۷، ترجمه قرآن کریم، تهران، جاویدان.
- معزی، محمد‌کاظم، ۱۳۷۷، ترجمه قرآن کریم، تهران، علمیه إسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳، ترجمه قرآن کریم، قم، دار القرآن الکریم.
- یاسری، محمود، ۱۴۱۵ق، ترجمه قرآن کریم، تحقیق مهدی حائری تهرانی، قم، بنیاد فرهنگی امام مهدی ﷺ.

ج) مقاله‌ها

- زمانی، مصطفی، محمدرضا حاجی اسماعیلی و محمدرضا ستوده‌نیا، ۱۳۹۴، «أوزیبای روایات مصافحه پامبر با زنان با تأکید بر آیه ۱۲ سوره متحنه»، علوم حدیث، ش ۷۷، ص ۵۹-۸۰، قم، پژوهشگاه قرآن و حدیث.
- شیروودی، مرتضی و محمدسجاد شیروودی، ۱۳۹۵، «صورت‌بندی گفتمانی پسا اسلام سیاسی در مصر و تونس»، پژوهش‌های سیاسی، ش ۱۷، ص ۵۱-۶۵، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- علیخانی، علی‌اکبر، ۱۳۸۵، «معرفی و نقد کتاب فقه سیاسی»، دانش سیاسی، ش ۳، ص ۱۸۶-۱۷۷، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- مروجی طبسی، محمد‌هادی، ۱۳۸۹، «مصالحه؛ چرا و چگونه؟»، فرهنگ کوثر، ش ۸۳، ص ۱۱۲-۱۳۰، قم، آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام.
- همامی، عباس، ۱۳۷۳، «خلاف فرائت و نقش آن در تفسیر»، پژوهش دینی، ش ۷، ص ۵۷-۶۸، تهران، انجمن علوم قرآن و حدیث ایران.
- یاسین، محمدتعیم، ۱۴۰۷ق، «انتفاض الوضوء باللمس»، مجله الشريعة و الدراسات الإسلامية، ش ۶، ص ۲۰۰-۱۷۹، کویت، مجمع النشر العلمی.